

نا امنی های افغانستان در کجا ریشه دارد...؟

افغانستان کشوریست که در طول تاریخ صحنه برخورد قدرت های متخاصم نظامی و فرهنگی دنیا و منطقه بوده است که از رهگذر تهاجمات گسترده عوامل بیرونی و بیگانه آسیب ها و زیانهای بزرگی را در عرصه های مختلف متحمل شده چون این کشور به لحاظ موقعیت حساس جیوپولتیکی که در منطقه حایز است همواره در معرض تاخت و تاز قدرت های منطقه و دنیا قرار داشته و به همین ترتیب تأثیرات زیانباری ناشی از تعقیب و پیگیری سیاست های مداخله گرایی، روند رشد اقتصادی و توسعه سیاسی و اجتماعی این کشور را بشدت متأثر ساخته است. با این وجود علیرغم آنکه تهاجم قدرت های بیگانه در افغانستان با مبارزات و مقاومت های دلیرانه مردم آن به شکست مواجه گردیده ؛ اما با آنهم پیگیری سیاست های مداخله گرایی بویژه از جانب کشور های همسایه به هدف رسیدن به اولویت های مورد علاقه شان هم چنان ادامه داشته و از این رهگذر آسیب ها و صدمه های جبران ناپذیری بر رشد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی آن وارد شده است. لذا رد یابی ریشه های اصلی بحران در افغانستان مبین آنست که تداوم نا امنی ها و بحران در تاریخ این کشور، پیوند مستقیم با مداخلات مجرمانه عوامل خارجی داشته و مشارکت فعال جنگسازان بیرونی در امر توسعه و افزایش جنگ های ویرانگر داخلی چالشهای بزرگی را فراهم راه برقراری امنیت و ثبات پایدار در کشور ما متوجه ساخته است؛ چنانچه حاکمیت چند ساله نظام تروریستی طالب که تحت نام اجرای شریعت محمدی اما در واقع برای نابودی ارزشها و اصول دینی کمر بسته بودند و در جهت دستیابی به اهداف شوم شان وحشت آفریدند و تعدیهای بیشماری را مرتکب شدند، دلیل بر این گفته میباشد. بناً حکمروایی چند ساله نظام متحجر طالبان و اعمال انواع محدودیت ها و ناروایی ها بر حقوق و آزادی های اساسی مردم، برآیند بارز ستراتیژی های مداخله گرایی و تلاشهای شوم قدرت های بیگانه در کشور ما بوده است، جریان هیولای طالب که جنگسازان پاکستانی آنرا بوجود آورده بودند با توسل به اعمال و حشیانه و غیر انسانی برای مدتی کشور را به اختناق و تاریکی مطلق فرو برده و ضربه های مهلک را بر ساختار اقتصادی و سیاسی آن وارد ساخت، اما با رویکار آمدن فصل جدید در تاریخ سیاسی کشور و توجه جامعه جهانی در زمینه بازسازی و اعمار مجدد ساختار های فرور ریخته آن تغییرات و انکشافات قابل ملاحظه در عرصه های مختلف رونما گردیده و امیدواری ها برای یک امنیت و آرامش قابل اعتبار در کشور افزایش یافت، زیرا تلاشهای گسترده دولت و جامعه جهانی در خصوص استقرار امنیت و گسترش روند بازسازی و قسماً کسب دستاورد ها و موفقیت ها در این راستا تحقق زود هنگام آمال و آرزو های مردم را تداعی میکرد. اما متأسفانه نه تنها آرزو ها برای تأمین امنیت و ثبات در این کشور بر آورده نشد بلکه نا امنی ها و بدامنی های ناشی از تحركات نظامی و فعالیت های تروریستی شورشیان طالب و القاعده دامنه گسترده تر یافت. لهذا در حالیکه بیش از چند سال از در هم شکسته شدن نظام طالبان در افغانستان میگذرد و تلاشهای پیوسته جامعه جهانی

در امر نابودی و اضمحلال کامل آن هم چنان جریان دارد اما با آنهم گاهگاهی ما شاهد فعالیت های دهشت افکنانه و تروریستی جنگجویان طالبی و القاعده در کشور هستیم که هر از گاهی با اعمال تروریستی و هراس افکنانه شان فضای ترس و بی اعتمادی را در کشور ایجاد و چالشهای بزرگ را فرا راه روند بهبودی وضعیت امنیت قرار میدهند، لذا اینکه چرا به رغم تلاشهای گسترده دولت و جامعه جهانی در کار مبارزه با دهشت افکنی هنوز هم بقایای تروریستان طالبی و القاعده روند برقراری امنیت و ثبات سراسری را به مشکل مواجه میسازد در حقیقت امر مسئله ایست که ریشه در مداخلات بیرونی دارد زیرا اعمال بیگانه با تمویل و تجهیز شورشیان طالبی و القاعده و با حمایت از فعالیت های دهشت افکنانه آنان ناامنی ها و بد امنیها را گسترش داده و به همین گونه مانع برقراری صلح و آرامش در افغانستان میگردد.

ایجاد فضای رعب و وحشت از طریق توسل به اعمال وحشیانه و غیر انسانی چون انتحار، قطاع الطریقی، به آتش کشیدن مکاتب و ... از چالش برانگیز ترین موضوعات در خصوص تأمین امنیت و ثبات در کشور ما تلقی میگردد و به همین ترتیب دشمنان با همدستی عمال مزدور داخلی در صدد آنست تا به منظور تحقق خواسته هایشان به هر شیوه و وسیله ممکن متوسل گردند که از این رهگذر اغلباً مردم بی گناه قربانی شده و خسارات زیانباری را متحمل میشوند. بنابراین دشمنان این وطن از طریق قتل و کشتار مردم بیگناه و نابود کردن مراکز آموزشی و تربیتی تلاش میورزند تا از یکطرف میزان نا امنی ها و جنگ را در کشور افزایش داده و جو بی اعتمادی را در بین مردم تشدید بخشند از جانب دیگر با توسل به این نوع اعمال میخواهند مانع پیشرفت و ترقی در کشور ما گردد. بنابراین آنچه مسلم است اینست که همسایه جنوبی همانطوریکه همشه با مداخلات صریح و آشکار شان در تشدید بحرانها و نابسامانیهای این کشور مشارکت داشته هنوز هم در توسعه و افزایش نا امنیها در افغانستان نقش عمده و اساسی دارد. از اینرو دولت جمهوری اسلامی افغانستان باید با اتخاذ راهبرد های مؤثر و کارساز مبنی بر تأمین امنیت و ثبات قابل اعتبار اقدامات لازم را انجام دهند؛ افزون بر آن راهکار مشارکت و سهم گیری فعالانه مردم در کار مبارزه با تروریسم و دهشت افکنی هم چنان ارزنده تلقی میگردد بنا بر تمامی شهروندان است که در مساعی مشترک با دولت در جهت بازگرداندن صلح و امنیت در کشور بویژه با حراست بیدریغ شان از حریم مقدس مکاتب نگذارند که دشمنان این وطن در کارشان موفق شوند.

پایان